

بِقَوْلِهِ

نگاه قرآن به رستاخیز

محمدحسن مکارم
مدرس مراکز تربیت معلم و مرکز آموزش فرهنگیان فارس

آموزه‌های
قرآنی

کلیدواژه‌ها:

رستاخیز، معاد، جهان پس از

پس از توحید، دومین آموزش پیامبران الهی، باوراندن معاد و جهان پس از مرگ به مردم بوده است. در قرآن کریم، به‌ازای هر چهار آیه، یک آیه آن به این موضوع اختصاص یافته است. بدیهی است که پذیرفتن وجود حیاتی وسیع و ابدی، بعد از رفتن از این دنیا، کار آسانی نیست. به‌ویژه که این امر از راه‌های حسی و تجربی، یعنی راه‌هایی که معمولاً بشر با آن‌ها سروکار دارد و جهان اطراف خود را می‌شناسد، قابل درک نمی‌باشد. از این رو، خداوند منان و رحیم حدود ربع از کل قرآن خویش را به طرح این موضوع سرنوشت‌ساز اختصاص داده، تا بنی آدم از این حقیقت بزرگ و آثار جاودانه مترتب بر آن غافل نمانند و دچار خسران عظیم نگردند.

شایان ذکر است که فلاسفه و متکلمان اسلامی، دلایل معتناهی برای اثبات جهان رستاخیز اقامه کرده و از تجرد روح و بقای آن، پس از مرگ، مدد گرفته‌اند، اما رویکرد مقاله حاضر قرآنی است و روش نقلی را مدنظر دارد.

فایده معادباوری

عقیده به رستاخیز تحول‌شگرفی را در زندگی دنیوی ما موجب می‌شود: ضوابط و محدودیت‌هایی در رفتار بدید می‌آورد، گستره حیات را نامحدود می‌کند، احساس پوچی و بی‌هدفی را زایل می‌نماید، پشتوانه‌ای بزرگ برای تقیّدات اخلاقی و رعایت اوامر و نواهی الهی به‌وجود می‌آورد، آستانه تحمل و بردباری ما را ارتقا می‌بخشد، پیروزی در زندگی را به معنای عمل به تکالیف الهی تلقی می‌کند و نه پیروزی ظاهری و مادی.

محدودیت‌ها و مسئولیت‌های برآمده از این باور، موجب گردیده که همواره مخالفان و منکران فراوانی در برابر پیامبران و تعالیم آنان صف آرایی کنند. آن‌ها گاه به کلی منکر معاد شده و اعلام می‌کردند «حیاتی جز حیات در دنیا نداریم» (جائیه: ۲۴) و پدیده رستاخیز و ادعای آن را سحر مبین می‌انگاشتند (هود: ۷)، گاه استبعاد می‌کردند و با تعجب تمام از پیامبر (ص) می‌پرسیدند: آیا وقتی استخوان و خاک شدیم، خلقت دوباره پیدا می‌کنیم؟! (بنی اسرائیل: ۴۹). در سوره یونس، از زبان این افراد می‌فرماید: «و یستنبئونک احق هو»، از تو سؤال می‌کنند: آیا این قضیه حق است؟! سپس، خداوند می‌فرماید: «قل ای و ربی انه الحق»، بگو: آری، سوگند به پروردگارم که آن یقیناً راست است؛ این جمله با قسم به خداوند و تأکیدات متعدد همراه است.

حقیقت این است که بشر هوسباز و زیاده‌طلب، با نفی قیامت، درصدد بازکردن راه خود و رسیدن به تمامی امیال و غرایز حیوانی خویش است، مطلبی که قرآن هم به آن تصریح دارد: «یل یُرید الانسان لیفجر امامه» (قیامت: ۵) به عبارت دیگر، انسان‌ها چون در ابتدا مسیری برای زیستن خویش در راستای نهایت بهره‌وری از لذاذذ مادی برگزیده‌اند، پس هر عاملی را که سد راه و وصول به این

در صورتی آفرینش
جهان و جریان
حیات دنیوی پوچ
و از روی لهو و
لعب نخواهد بود
که از پس امروز،
فردایی باشد و
کاروان هستی به
مقصدی ارزشمند
برسد، و زندگی
منحصر به خور
و خواب و خشم
و شهوت نباشد

مقصد است، انکار می‌کنند، یعنی «ماتریالیسم اخلاقی» آن‌ها را به «ماتریالیسم عقیدتی» وامی‌دارد؛ در قیامت نیز از عملکرد خویش کاملاً پشیمان گشته و از آثار اعمال خود اظهار انزجار می‌نمایند. بعضی آیات که حاکی از ندامت آن‌هاست از این قرار است: کاش می‌دید زمانی را که مجرمان نزد پروردگارشان سرهای خود را به زیر می‌افکنند و (می‌گویند) پروردگار! دیدیم و شنیدیم، ما را باز گردان، تا کاری شایسته کنیم، اینک به یقین رسیدیم (سجده: ۱۲)؛ کافران در جهنم گویند: خدایا! آن‌ها را که مایه گمراهی ما شدند، چه جن و چه انس، به ما نشان ده تا آن‌ها را زیر لگدهایمان بگذاریم و دلیل شوند (فصلت: ۲۹)؛ وقتی پرورنده اعمال خویش را می‌نگرند، گویند: یا وبلتنا ما لهذا الكتاب لا یغادر صغیرة ولا کبیرة الا احصیها و جدوا ما عملوا حاضراً (کهف: ۴۹)، وای بر ما، این چه نامه‌ای است که هیچ‌کار کوچک و بزرگ را از قلم نینداخته، و همه را به حساب آورده و حاضر است. در دوزخ از کافران سؤال می‌شود که آیا پیامبر برای شما نیامد؟ گویند: آری، آمد اما او را تکذیب کردیم و گفتیم خدا چیزی نفرستاده است، ... سپس گویند: اگر گوش شنوا داشتیم و اندیشه می‌نمودیم، امروز از دوزخیان نبودیم (ملک: ۹)

اثبات معاد

قوی‌ترین و اساسی‌ترین دلیل بر وجود رستاخیز، همان نبوت است. پیامبری که نبوت و رسالت او توسط معجزه توأم با تحدی، ثابت گردیده، و بدین وسیله ارتباطش با خالق جهان و انسان مبرهن شده است، خبر از عالم آخرت داده است و به‌وضوح و صراحت اعلام داشته: الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمه لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثاً (نساء: ۸۷)؛ در این آیه شریفه، یکتایی خدا مقدمه سخن قرار گرفته، آن‌گاه فعل مضارع، دال بر جمع کردن انسان‌ها در قیامت، با دو تأکید، به دنبال آمده، باز با عبارت «لا ریب فیه» نفی هر گونه تردید در این کار نموده، و در پایان آیه صادق بودن خدای متعال را ضامن اجرا و تحقق قیامت ذکر کرده است. همچنین در سوره مبارکه واقعه می‌خوانیم: قل ان الاولین و الاخرین لمجموعون الی میقات یوم معلوم، بگو: همه اولین و آخرین یقیناً در روز معین گرد آورده می‌شوند.

علاوه بر این دلیل، قرآن کریم، دو گام دیگر برای اثبات قیامت برداشته است:

۱. دلایل اثبات امکان معاد: خداوند در خلال این آیات شریفه، امکان وقوع قیامت را از طریق ذکر نمونه‌هایی از تجدید حیات بر روی کره خاکی طرح نموده، تا بدین گونه، غیرممکن بودن آن را از اذهان منکران و شکاکان بیرون کند. مثلاً، در آخر سوره «یس»، در پاسخ به یکی از منکران رستاخیز (امّیّین خلف) که استخوان پوسیده‌ای را به پیامبر (ص) نشان داد و گفت: چه کسی این را دوباره زنده خواهد کرد؟، فرمود: «همان‌که

**فلاسفه و متکلمان
اسلامی، دلایل
معتبرانهایی برای
اثبات جهان
رستاخیز اقامه
کرده و از تجرد
روح و بقای آن،
پس از مرگ،
مدد گرفته‌اند، اما
رویکرد مقاله حاضر
قرآنی است و روش
نقلی را مدنظر دارد**

کار خویش است، که به کسی دیگر توجه ندارد.

سیمای جهان در قیامت: از میان آیاتی که صحبت از «نفخ صور» کرده است، یک آیه وجود دارد که خبر از دو نفخه می‌دهد که نشانگر دو مرحله در وقوع رستاخیز است: در صور دمیده می‌شود، سپس هر که در آسمان‌ها و زمین است مدهوش می‌گردد، مگر کسی که خدا بخواهد، سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، آن‌گاه مردمان به پای ایستاده و نظاره‌گر می‌شوند (زمر: ۶۸).

در نفخه اول، همان‌طور که در آیات جزء ۲۹ و جزء ۳۰ قرآن ترسیم شده است، نظام فعلی طبیعت دگرگون می‌شود: کوه‌ها با رانش شدید از جای کنده می‌شوند و به حرکت درمی‌آیند، همچون پشم زده شده می‌گردند و مانند ریگ‌هاروان می‌شوند؛ زمین به دنبال این حادثه، صاف و هموار می‌گردد و به تعبیری دیگر، کش می‌یابد و امتداد پیدا می‌کند، و به جای نور خورشید، با نور پروردگار روشن می‌شود (شاید اشاره به فروریختن حجاب‌ها باشد)؛ دریاها می‌شکافند و به جوش می‌آیند؛ خورشید در هم می‌پیچد و در نتیجه، ماه تاریک می‌شود و ستارگان هم تیره می‌گردند (و با فرو می‌ریزند)؛ آسمان در تب و تاب می‌افتد و شکافته می‌شود و مانند نامه پیچیده شده، جمع می‌گردد.

سیمای انسان در قیامت: با نفخه دوم در صور، همگان زنده شده، از قبرها، به صورت منفرد و تنها به محشر وارد می‌شوند: و نُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ، قَالُوا يَا بَلِغْنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (یس: ۵۱)، آن‌گاه با تعجب گویند: وای بر ما! چه کسی ما را از آرامگاه خویش بیرون آورد؟ این همان وعده الهی است و پیامبران راست گفتند.

چهره انسان‌ها در آن روز دو گونه است: بعضی در خشان و شاد، و بعضی غبار گرفته و تاریک (عبس: ۳۸) گروه اول مسرورانه متوجه خدای خویش اند، اما دسته دوم صورت‌هایی عبوس و درهم کشیده دارند، زیرا می‌دانند عذابی کمرشکن در پیش دارند (قیامت: ۲۲)

در آن روز، ترازوهای سنجش گسترده می‌شود و هر که عملی از خیر یا شر انجام داده باشد، هر چند به اندازه خردلی، چه در آسمان‌ها باشد، چه در زمین، خداوند به آن رسیدگی می‌کند، کما اینکه لقمان به فرزندش گفت: یا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ (لقمان: ۱۶).

در آنجا اعمال ما تجسم می‌یابد و هر که به وضوح نتایج و آثار اعمال دنیوی خویش را می‌بیند و تردیدی در صحت محاسبه نخواهد داشت: اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَسِيرًا (بنی اسرائیل: ۱۴). نتیجه مشاهده پرونده اعمال این است که مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند: کسی که نامه‌اش به دست راستش داده شود، گوید بیایید و کتابم را بخوانید (دلیل بر شادمانی اوست)، و اما کسی که کارنامه‌اش به دست چپش داده شود، گوید: ای کاش آن را دریافت نکرده بودم (حاقه: ۲۵). بالاخره، دو گروه سابقون و اصحاب یمین وارد در بهشت و رضوان الهی می‌شوند، اما اصحاب مشتمه یا اصحاب شمال به دوزخ درمی‌افتند. قابل تذکر است که برای درک ماهیت پرونده عمل و هم‌چنین مراد از دست راست و چپ و... می‌بایست به کتب تفسیر رجوع نمود.

قیامت دارای مواضع مختلف است، از این رو، در قرآن کریم با نام‌های گوناگون از آن یاد شده است، مانند: یوم الخروج، یوم الجمع، یوم الحسره، یوم الأرزفه، یوم الفصل، یوم الحساب، یوم التغابن و غیره. بی تردید، شرح و تفسیر آیات قیامت و طرح مواضع آن تأثیر تربیتی بی‌ظنیری روی نوجوانان و جوانان و دانش‌آموزان می‌گذارد.

اول بار او را آفرید.» این زندگی دوباره در مواردی اتفاق افتاده، از جمله داستان اصحاب کهف، زنده کردن مردگان به‌عنوان معجزه عیسی (ع)، زنده شدن گاو بنی اسرائیل، احیای چهار مرغ ابراهیم (ع) و... قرآن پس از ذکر قصه گاو بنی اسرائیل، می‌فرماید: كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ (بقره: ۷۳)، این گونه خداوند مردگان را (در قیامت) زنده خواهد کرد. در پدیده باران می‌گوید: خدا با دها را می‌فرستد تا بر ابرانگیزاند، سپس آن ابر را به سوی سرزمین مرده‌ای رانده، آن را (به وسیله باران) زنده می‌گرداند؛ در ادامه چنین نتیجه می‌گیرد که «كَذَلِكَ النَّشُورُ» (فاطر: ۹)، یعنی نشور و قیامت هم همین گونه خواهد بود. در آیه‌ای دیگر، خداوند را نازل کننده آب از آسمان و احیا کننده زمین خشک معرفی کرده و نتیجه می‌گیرد: كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (زخرف: ۱۱)، به همین صورت شما نیز (از قبرها) خارج می‌شوید.

۲. دلایل اثبات ضرورت معاد: قرآن برای این منظور، عنایت به دو صفت ثبوتی خداوند کرده است:

الف) برپایی رستاخیز لازمه صفت حکیم بودن پروردگار است: از جمله آیات مؤید آن در سوره حجر است که می‌فرماید: ما آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن دوست، جز به حق نیافریدیم، و یقیناً قیامت فراخواهد رسید (حجر: ۸۵)؛ در صورتی آفرینش جهان و جریان حیات دنیوی بوج و از روی لهو و لعب نخواهد بود که از پس امروز، فردایی باشد و کاروان هستی به مقصدی ارزشمند برسد، و زندگی منحصر به خور و خواب و خشم و شهوت نباشد.

ب) برپایی رستاخیز لازمه صفت عادل بودن پروردگار است: از جمله آیات دال بر آن، آیه شریفه‌ای است که می‌فرماید: آیا کسانی که مرتکب سیئات شده‌اند، می‌پندارند آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و دست به کار صالحات گردیده‌اند؟! زندگی و مرگشان یکسان است؟! چه بددوری می‌کنند (جاثیه: ۲۱) قطعاً، نظام حاکم بر دنیا تکافوی باز خورد اعمال نیک و بد مردمان را نمی‌کند؛ اگر حیات بشری با مرگ در هم پیچیده شود، عدل الهی بارز نمی‌گردد، این در حالی است که خداوند شش بار در قرآن فرموده است که ذره‌ای ظلم به کسی روا نمی‌دارد. إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ. این معارف حقه الهی دست‌مایه شاعران نامدار ما گردیده، و اشعار آنان را پر مغز و پرمحتوا نموده است؛

**در خلايق روح‌های پاک هست
روح‌های تیره گلنک هست
واجب است اظهار این نیک و تباه
هم‌چنان کاظهار گندم‌ها ز کاه
(مولوی)**

در اول سوره مبارک حج آمده است: یا ایها الناس اتقوا ربکم إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَیْءٌ عَظِيمٌ، یَوْمَ تُرَوَّهْنَا نَذْهَلُ کُلَّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا رَضَعَتْ وَ تَضَعُ کُلُّ ذَاتٍ حَمْلَ حَمْلِهَا، وَ تَرَى النَّاسَ سُکَّارًا وَ مَا هُمْ بِسُکَّارٍ، وَ لَکِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ؛ خداوند برای تفهیم عظمت این حادثه می‌فرماید: در آن روز، هر زن شیردهنده‌ای، فرزند شیرخوارش را (از هول) زمین می‌گذارد، و هر حامله‌ای بار خود را فرو می‌نهد و مردم را به قیافه مستان می‌بینی، گرچه مست نیستند، بلکه عذاب خدا شدید است. همین اضطراب، طی آیات آخر سوره عبس نیز این گونه بیان شده است: فَإِذَا جَاءتِ الصَّاحَةُ، یَوْمَ یَقْرَأُ الْمَرْءُ مِّنْ أَحْبَبِهِ، وَ آمَهُ وَ آبِیهِ، وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ، لَکُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُم یَوْمَئِذٍ شَأْنٌ یَّعْنِبُهُ، وَ قَتَىٰ صِدَائِ بَلَدٍ قِیَامَتِ بَرَأید، هر که از برادرش و نیز مادر و پدرش و هم‌چنین از همسر و فرزندانش می‌گریزد (چون) در آن روز هر کس چنان گرفتار

**قیامت دارای مواضع
مختلف است، از
این رو، در قرآن
کریم با نام‌های
گوناگون از آن
یاد شده است،
مانند: یوم الخروج،
یوم الجمع،
یوم الحسره،
یوم الأرزفه،
یوم الفصل،
یوم الحساب،
یوم التغابن و غیره**